

موبایلت را زمین بگذار!

فردین علیخواه، جامعه‌شناس، می‌گوید: در مواجهه با اخبار خشونت‌آمیزی که با شتاب در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شود، باید بگوییم «موبایلت را زمین بگذار».



فردین علیخواه، جامعه‌شناس، می‌گوید: در مواجهه با اخبار خشونت‌آمیزی که با شتاب در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شود، باید بگوییم «موبایلت را زمین بگذار».

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، تقریباً روزی نیست که چشم و گوشمان با خشونت در پیرامونمان عجین نشود، از درگیری کلامی و دعواها در خانه و خیابان گرفته تا هجوم اخبار خشونت‌آمیز از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، اخبار تلخی که از انواع قتل و تجاوز و آزار جسمی و جنسی حکایت می‌کنند. همه اینها این سوال را پیش می‌آورد که ما خشن شده‌ایم؟ تحملمان کم شده یا رسانه‌ها خشونت را بیشتر انعکاس می‌دهند و سرعت تکنولوژی در انتشار این اخبار مقصر است؟

فردین علیخواه، استاد دانشگاه، معتقد است «به جای انکار خشونت، باید ریشه‌های آن را پیدا کنیم، باید ببینیم چرا خشونت از جامعه به فرد منتقل می‌شود، با او به خانه می‌رود و تبدیل به خشونت خانگی می‌شود، خشونتی مخرب که نتیجه بی‌توجهی نهادهای دولتی و سازمان‌ها به حقوق شهروندی است».

بخشی از گفت‌وگوی خبرآنلاین با دکتر فردین علیخواه، جامعه‌شناس، را در ادامه بخوانید:

آقای علیخواه، به عنوان یک جامعه‌شناس فکر می‌کنید خشونت‌ها در جامعه مان افزایش داشته یا تحت تاثیر سرعت انتقال اطلاعات، اخبار خشونت‌آمیز بیشتر از قبل به گوش می‌رسد؟

باید بگوییم درمورد بعضی از خشونت‌ها مثل نزاع‌های خیابانی، به نظر می‌رسد شاهد رشد بوده‌ایم. هرچند درباره هر نوع خشونت باید تبیین‌های مستقل و جداگانه‌ای ارائه داد و متأسفانه یکی از مشکلات درمورد بررسی خشونت‌ها، فقدان آمار معتبر است. درواقع ما مرکزی نداریم که به شکل سالانه و منظم آمار مربوط به انواع خشونت را منتشر کند تا محققان بتوانند با استناد به آن درمورد روند خشونت تحلیل ارائه دهند. هرچند باید توجه داشت که افزایش آمار خشونت، ممکن است لزوماً به معنی افزایش واقعی آن در جامعه نباشد.

به چه دلایل دیگری می‌تواند باشد؟

یکی از دلایل بالا رفتن آمار خشونت می‌تواند بالا رفتن گزارش کردن خشونت توسط قربانیان خشونت‌ها باشد. یعنی جامعه این مخاطره را بپذیرد و برود و خشونت را به نهادهای مسئول و قانونی گزارش کند. منظورم آن است که آمار بالا می‌تواند به معنای آن باشد که جامعه درمورد خشونت‌های مختلف به آگاهی رسیده، تشخیص داده و مخاطرات پس از مراجعه به نهادهای قانونی و انگ‌های احتمالی پس از آن را پذیرفته است. اما در این زمینه نمی‌توان نقش رسانه‌ها را هم نادیده گرفت. شبکه‌های اجتماعی باعث شده‌اند اخبار خشونت در هر گوشه‌ای از کشور، روزها به موضوع بحث و نظر مردم تبدیل شود و جامعه نسبت به آن حساس شود.

این حساسیت خوب است؟

بله رشد حساسیت خوب است و باعث می‌شود به مسأله توجه شود و جامعه از خودش مراقبت کند. پدیده‌ای که در زمینه خشونتی مانند تجاوز شاید کمی جدید به نظر می‌رسد آن است که ما معمولاً مسأله تجاوز به کودکان را داشته‌ایم و این اتفاق جدیدی نیست ولی اینکه کودکان بعد از تجاوز به قتل برسند پدیده‌ای جدید است. البته نحوه بازنمایی حادثه از طریق شبکه‌های اجتماعی هم مشکلاتی دارد.

یعنی معتقدید نباید این اخبار تلخ را برای دیگران فرستاد؟

من در یک سخنرانی با تأثیر از ترانه «تفنگت را زمین بگذار»؛ مرحوم فریدون مشیری گفتم که «موبایلت را زمین بگذار»؛ ما باید قبل از انتشار هر خبر و فوروارد کردن آن برای دیگران از خودمان سوال کنیم که واقعا هدفمان چیست؟ اینکه به محض دیدن کسی که خودش را از پل عابر به پایین پرتاب کرده، فیلم بگیریم و در شبکه‍ها منتشر کنیم به چه معنی است؟ آیا می‍خواهیم به دیگران اطلاع‍رسانی کنیم؟ نشان دادن بدن متلاشی شده یک فرد روی آسفالت خیابان اطلاع‍رسانی است؟ باید مراقب باشیم که نوعی هراس عمومی ایجاد نشود. اطلاع‍رسانی با هراس عمومی تفاوت دارد. اطلاع‍رسانی همراه با تحلیل و تبیین است. آنچه ما در شبکه‍های اجتماعی می‍بینیم، ایجاد هراس عمومی است. همین امر باعث می شود خانواده‍ها مضطرب شوند و احساس کنند خانه‍ای روی آب دارند. منظور من اصلا این نیست که این شبکه‍ها باید محدود شوند بلکه معتقدم نیاز داریم قبل از انتشار و فوروارد کردن هر خبری از خودمان چند سوال بپرسیم و به آنها صادقانه پاسخ دهیم. اینکه دقیقا هدفمان چیست؟ یک بار از خودمان سوال کنیم و بعد دکمه انتشار را فشار دهیم. متأسفانه در ماه‍های اخیر شاهد حاکمیت احساسات‍گرایی در انتشار اخبار مربوط به خشونت‍ها بودیم و موج عظیمی در شبکه‍های اجتماعی ایجاد شد.

چرا خشونت‍ها در محیط خانواده هم افزایش پیدا کرده؟

به این دلیل که وضعیت طوری است که وقتی پدر یا مادری از بیرون به خانه می‍آید، انگار از جنگ برگشته. اعصاب‍های ناآرام در بیرون از خانه، دشوار است که در خانه هم آرام باشند. بحران‍های اقتصادی و اجتماعی پشت در خانه نمی‍مانند. این بحران‍ها در خانواده هم بحران ایجاد می‍کنند و سپس دوباره به جامعه برمی‍گردند. این تعامل دوطرفه وجود دارد. درمجموع فکر می‍کنم که امید و امنیت در همه ابعادش به ویژه اقتصادی و آرامش لازمه جامعه ماست.

اگر بخواهید به عنوان جامعه‍شناس، هشدار یا راهکاری به مسئولان در این زمینه بدهید، به چه اولویت‍هایی اشاره می‍کنید؟

همانطور که اشاره کردم، جامعه ایرانی جامعه‍ای غمگین است و یکی از اولویت‍ها این است که به این نکته توجه شود که نیازمند فضاهای شاد هستیم. متأسفانه وقتی با برخی از مدیران شهری در این مورد حرف می‍زنم می‍گویند برای تعریف برنامه‍هایی برای مناسبت‍های سوگواری مشکلی نداریم و دستانمان باز است ولی وقتی می‍خواهیم برای مناسبت‍های شاد برنامه‍هایی تعریف کنیم دچار استرس و نگرانی می‍شویم که برایمان مشکلی پیش نیاید. به نظرم نیازمند مدیران جسور هستیم. موضوع دیگر هم طبیعتا همان احساس محترم بودن است که به آن اشاره کردم. ما در ورودی همه ادارات بنری درمورد احترام به ارباب رجوع نصب کرده‍ایم ولی متأسفانه فقط بنر نصب شده و در عمل اتفاق خاصی نیفتاده است. بوروکراسی کشنده اداری یک طرف و نحوه برخورد با ارباب رجوع یک طرف دیگر. اینها زمینه پرخاشگری می‍شوند. من زمانی پیشنهاد دادم که ما یک گواهینامه اعتبار برای سازمان‍ها تعریف کنیم با عنوان کام. کام مخفف کیفیت اجتماع‍مداری بود. هر سال سازمان‍ها و نهادها از این نظر ارزیابی شوند. اینکه چقدر منافع اجتماع را تأمین کرده‍اند و چقدر رضایت مشتری را به دست آورده‍اند.

یک توصیه مهم دیگر این است که مسئولان به رفاه مردم بیشتر فکر کنند. مسائل اقتصادی به تدریج دارد زجرآور می‍شود. زمانی وجود دارد که وضع همه بد است و این قابل تحمل است ولی هم اکنون اینطور نیست. وضع بعضی‍ها خیلی بد و وضع بعضی‍ها خیلی خوب است. ما شاهد مردمی هستیم که وضع اقتصادی خوبی ندارند، انتظاراتشان از رفاه هر روز گسترش می‍یابد ولی هر روز اخبار مربوط به اختلاس و دزدی و ویژه‍خواری ها را در شبکه‍های اجتماعی می‍خوانند. این باعث ناکامی و خشم می‍شود.